



## پایان سلطه اروپا بر IMF ؟

در پی برکناری دومینیک استراوس کان رئیس صندوق بین‌المللی پول، بر سر تعیین جانشین وی رقابت شدیدی میان کشورهای صنعتی و کشورهای در آستانه صنعتی شدن آغاز شده.

جام جم آنلاین: در پی برکناری دومینیک استراوس کان رئیس صندوق بین‌المللی پول، بر سر تعیین جانشین وی رقابت شدیدی میان کشورهای صنعتی و کشورهای در آستانه صنعتی شدن آغاز شده. ریاست دائمی اروپا بر این نهاد، دیگر خوشایند کشورهای در آستانه پیشرفت نیست.

به گزارش دویچه وله، برکناری دومینیک استراوس کان رئیس صندوق بین‌المللی پول این نهاد بین‌المللی مهم را در حالی که با دشواری‌های بزرگی روبرو است، با مشکل رقابت‌های درونی بر سر تعیین رئیس جدید نیز روبرو کرده است.

### وزن اقتصادی کشورهای نوظهور

ریاست صندوق بین‌المللی پول تاکنون همواره بر عهده یک اروپایی بوده است. این گزینش بی‌دلیل نیست؛ در حال حاضر 25 درصد تولید ناخالص جهان به کشورهای عضو اتحادیه اروپا تعلق دارد. اما سهم کشورهای معروف به بی.آر.آی.سی که برزیل، روسیه، هند و چین را در برمی‌گیرد، تنها 18 درصد تولید ناخالص جهان است. به این ترتیب، وزن کشورهای در حال صنعتی شدن هنوز آنقدر نیست که بتوانند استدلال قابل‌پذیرشی برای طرد اروپا از صندلی ریاست صندوق بین‌المللی پول داشته باشند.

با این همه، اوضاع اقتصادی فعلی جهان، انگیزه رهبری صندوق بین‌المللی پول را در میان کشورهای در حال صنعتی شدن تقویت کرده است. کشورهای صنعتی با مشکلات بزرگی روبرو هستند که پایان آن قابل پیش‌بینی نیست. بدهی کشورهای اروپایی مرزهای قابل تصور را در نوردیده و کسری بودجه ایالات متحده آمریکا سال به سال بیشتر می‌شود.

در مقابل، در کشورهای در حال صنعتی شدن، رشد شتابناک اقتصادی از یک سو زمینه‌ساز تورم شده و از سوی دیگر ورود سرمایه‌های سنگین خارجی پدیده کاهش ارزش پول‌های ملی را به وجود آورده است. در تحلیل نهائی، شرایط اقتصادی فعلی جهان، وزن اقتصادی کشورهای در حال پیشرفت را چنان بالا برده که آن‌ها حق دارند خواستار انطباق سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول با نیازهای خود شوند و چنین چیزی، هنگامی عملی است که ریاست این نهاد به منتخب آن‌ها سپرده شود.

### شایستگی به جای ملیت

در حال حاضر "گیدو مانتگا"، وزیر دارائی برزیل سرسخت‌ترین مدافع این نظریه است که ریاست صندوق بین‌المللی پول نباید در انحصار اروپایی‌ها باقی بماند. او اخیراً در نامه‌ای به وزرای دارایی 20 کشور عضو گروه 20 نوشته است: «#171برزیل همواره این موضع را داشته که این پست باید صرف‌نظر از ملیت به کسی سپرده شود که شایستگی آن را داشته باشد. دورانی که این پست مهم باید همیشه برای یک اروپایی رزرو می‌شد، مدت‌ها است سپری شده است.»

شرایط داخلی هیئت اجرائی صندوق بین‌المللی پول، اکنون به گونه‌ای است که فشار کشورهای در حال صنعتی شدن ممکن است بتواند سبب خروج کنترل این نهاد از دست اروپایی‌ها شود. اروپایی‌ها بیش از 50 درصد سرمایه سپرده‌شده به صندوق بین‌المللی پول را در اختیار دارند، اما تنها نیمی از اعضای هیئت اجرائی آن را تشکیل می‌دهند.

این تضاد از آنجا ایجاد می‌شود که سهم عضویت کشورها در صندوق بین‌المللی پول را، نه سرمایه آن‌ها در این صندوق، بلکه تولید ناخالص ملی آن‌ها تعیین می‌کند. با این همه، اروپایی‌ها حاضر نیستند از تلاش برای تصرف پست ریاست صندوق بین‌المللی پول چشم‌پوشند، زیرا این نهاد، به موازات بانک جهانی، نقشی تعیین‌کننده در سیاست‌های مالی و اقتصادی سراسر جهان دارد.

### اروپایی‌ها همچنان می‌جنگند

خوزه مانوئل باروسو، رئیس کمیسیون اروپا گفته است: «#171برای اروپا کاملاً طبیعی است که نامزدی برای این پست معرفی کند. ما بیشتر از یک نامزد مناسب داریم.» دولت آلمان نیز اعلام کرده است که گزینش یک نامزد اروپایی را توصیه خواهد کرد؛ اما معلوم نیست که این نامزد آلمانی باشد. آخرین رئیس آلمانی صندوق بین‌المللی پول در سال‌های 2000 تا 2004 هورست کوهرلر بود که اکنون رئیس‌جمهور آلمان است.

اما در میان اروپایی‌ها نیز، هستند سیاستمدارانی که سپردن ریاست صندوق بین‌المللی پول را به نامزد کشورهای درحال پیشرفت مناسب‌تر می‌دانند. مثلاً میشل فوکس معاون فراکسیون حزب دموکرات مسیحی مجلس فدرال آلمان به روزنامه تایمز مالی گفته است: «#171؛ در بحران بدهی کشورهای اروپائی، شاید یک رئیس غیراروپائی صندوق بین‌المللی پول بهتر می‌توانست کشورهای بدهکار را به تنظیم بودجه با ثبات وادار کند.»

به گفته این سیاستمدار آلمانی، یکی از مشکلات بزرگ رئیس آینده صندوق بین‌المللی پول آن است که او باید در مورد کشورهایی که از صندوق کمک می‌گیرند، برای رعایت تعهدات متقابل، سخت‌گیر باشد.

صندوق بین‌المللی پول در مقابل کمک به کشورهایی که قادر به پرداخت بدهی‌های خود نیستند، از آنها می‌خواهد که با برنامه‌های صرفه‌جویی ملی، کسر بودجه خود را کاهش دهند. این صرفه‌جویی‌ها، در همه جا با کاهش دستمزدها، محدودیت خدمات اجتماعی، رشد بیکاری و نارضایتی عمومی روبرو شده است.